

دانشجوی امروز معلم فردا

شماره مجوز: ۴۲۱/۳۴۰/۱/۵۱۰۰/د

۵

نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

سال اول / شماره پنجم / مهرماه ۱۴۰۰



ازدواج کلید گنج
سعادت

نکاتی پیرامون زمان مناسب ازدواج / صفحه ۱۰

دانشگاه‌هولوژی!

ویژه ورودی‌های جدید ۱۴۰۰ / صفحه ۲

۱۴

عصای
سفید

۲۰

تربیت
جنسی

۶

جذابیت
کلام

شناسنامه نشریه



نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر بیرجند

مدیر مسئول: امیر عربی سردبیر: مهدی عرب شوشک

گرافیکست و صفحه آرا: سیدصادق حسینی

هیئت تحریریه:

حسین احمدی، حمید زنگوئی، عمران کمال پور، حسین سالخورده، علیرضا بذرگری،
مصطفی عباسجو، علی جان‌نثارمقدم، امیرحسین شهابادی، علی عباسی، امیرعلی
محمدیان، مهران طالبی، سعید حسینی زیرکوه، مهران شعبی، فرزین ملکوتی، سعید
حسینی قهستان، محمد جواد رضوانی

ویراستار: مهران طالبی

فهرست مطالب:



۱ سخن سردبیر

۲ دانشگاه‌ولوژی

۴ به تو از دور سلام

۵ نامه‌ای از کبوتر دل شکسته

۶ جذابیت کلام

۸ دفاع مقدس

۹ دلیران تنگستان

۱۰ ازدواج، کلید گنج سعادت

۱۲ قهرمانان سلامت

۱۴ عصای سفید

۱۵ حبیب انقلاب

۱۶ زندگی به سبک شهدا

۱۸ در مسیر تربیت

۲۰ اهمیت تربیت جنسی

۲۲ لسان الغیب

۲۴ داستان‌های معلمی

۲۶ کافه کتاب

۲۷ کافه سینما

۲۸ بوم‌گردی

رسانه ما در فضای مجازی



@skh_cfu


سخن سردبیر

به نام خالق هستی بخش

باران نم نم، گونه های زمین را خیس کرده. برگ هایی که در وداعی تلخ، دل از آسمان می کنند تا زیر پای رهگذران. نغمه پاییز بنوازند. مگر می شود پاییز از راه برسد و در سرت سودای عاشقی نباشد. انگار مادرم پاییز خوب بلد است عشق را چگونه به جان تمامی کائنات بیندازد. آن طور که در انتظار یک باران بدون چتر ساعت ها خودشان را به پنجره بچسبانند تا زیر باران و سمفونی برگ ها بدون چتر در آغوشی خیس، روی گونه های پاییز نوای عشق بسرایند.

نشریه دانشجوی امروز و معلم فردا سال جدید تحصیلی خدمت همه دانشجویان ارجمند تبریک عرض نموده و همچنین ورود نو دانشجو معلم های ۱۴۰۰ دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر را تبریک و تهنیت عرض نموده و سلامتی و شادکامی برای ایشان از درگاه ایزد منان خواستاریم. اینجا جایی برای ثبت اندیشه هایی است که سال هاست مهمان ذهن های شماست. پس اگر هر توان مندی در هر زمینه ای در خود می بینید؛ ما آن را شکوفا می کنیم.

مانا باشید به عنایت بی انتهای حضرت عشق. با تقدیم و احترام

مهدی عرب شوشک 

دانشگاهولوژی!!

«ویژه ورودی های ۱۴۰۰»

محمد جواد رضوانی

هیئت امنای: خط مشی کلی دانشگاه و تصویب سیاست های کلان
شورای دانشگاه: تنظیم سیاست ها و برنامه های جاری دانشگاه براساس سیاست های کلان
رئیس دانشگاه: با پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش و تایید وزیر علوم و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و حکم وزیر آموزش و پرورش برای مدت چهار سال منصوب می شود.

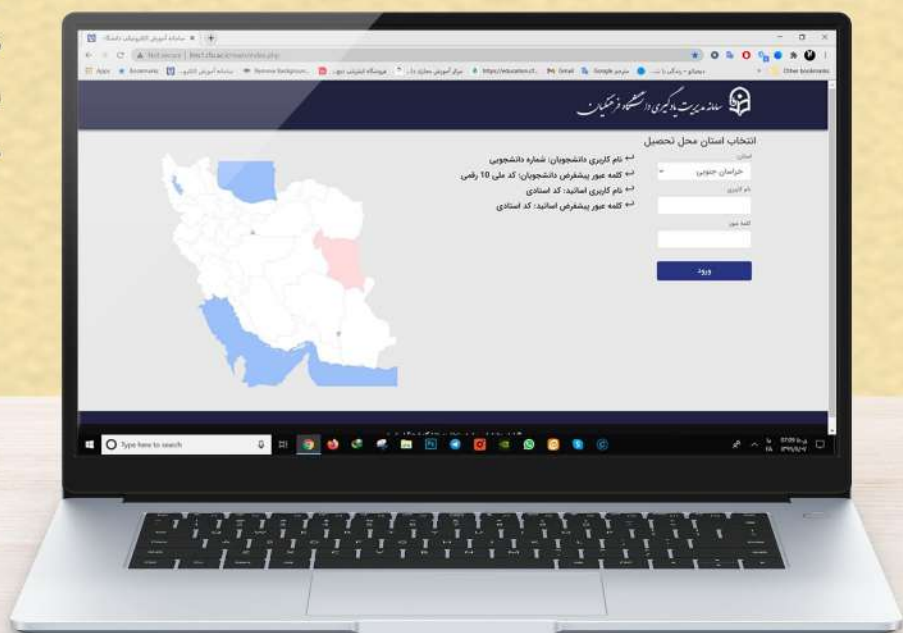
هیئت رئیسه: بارزترین وظایف آنها به مشارکت و همکاری فعالانه در تنظیم برنامه های راهبردی دانشگاه مبتنی بر سند چشم انداز و نقشه جامع علمی کشور است.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه: با هدف تبیین ارزشهای اسلامی برای دانشگاهیان، تعمیق آگاهیهای عمومی، و هدایت شکل های دانشجویی

تاسیس شده است. این دانشگاه پس از طی مراحل قانونی و با امضای رئیس جمهور وقت در اسفند ماه سال ۱۳۹۰ تأسیس شد؛ دانشگاهی که در زمان شکل گیری قریب به یکصد سال تجربه در عرصه های مختلف آموزش معلمان مشتاق را در پیشینه خود داشت. سازمان مرکزی دانشگاه در تهران مستقر و ۹۸ پردیس و مرکز با گستردگی کشوری در حال فعالیت می باشند. پردیس ها در ساختار سازمانی مافوق مراکز بوده و در هر استان مجموعه ی پردیس و مراکز تابعه آن با یک مدیریت در استان به فعالیت می پردازند. ارکان دانشگاه عبارتند از:

یک سلام و خوش آمدگویی گرم به دوستان جدید و هم دانشگاهی های عزیز که امسال به جمع ما اضافه شدند. در این مطلب می خواهیم کمی بیشتر با دانشگاه فرهنگیان آشنا شده و یک دوره کوتاه دانشگاه شناسی بگذرانیم؛ برای همین دلیل تیر مطلب شد دانشگاهولوژی!

دانشگاه فرهنگیان، در راستای سند چشم انداز، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با هدف تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، متعهد و کارآمد برای وزارت آموزش و پرورش و همچنین دستیابی به اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران



معاونت های دانشگاه فرهنگیان	
معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی	معاونت دانشجویی
معاونت فرهنگی و اجتماعی	معاونت پژوهش و فناوری
معاونت طرح و برنامه و توسعه منابع	معاونت نظارت ، ارزیابی و تضمین کیفیت
اداره کل حوزه ریاست ، روابط عمومی و هماهنگی امور استانها	دفتر مرکزی حراست
مرکز هوشمند سازی (فناوری اطلاعات و ارتباطات)	مدیریت همکاری ها و ارتباطات علمی و بین المللی
اداره کل امور شاهد و ایثارگران	اداره کل حقوقی، قرار دادها، املاک و رسیدگی به شکایات
بسیج اساتید	بسیج دانشجویی

معرفی برخی سایت ها و سامانه های مهم دانشگاه فرهنگیان		
سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان	در این سایت اطلاعیه های کشوری، اخبار دانشگاه و لینک پردیس های استانی و سامانه های دانشگاهی موجود است.	cfu.ac.ir
پردیس های استانی	سایت پردیس ها، بهترین و معتبرترین کانال ارتباطی دانشگاه با دانشجویان بخصوص در دوران آموزش مجازی است.	پردیس شهیدباهنر: psb.cfu.ac.ir
سامانه گلستان	سامانه گلستان را می توان درگاه انجام اموراداری و آموزشی دانشگاه دانست. کلیه فرایندهای ثبت نام و انتخاب واحد، مشاهده نمرات و غیبت ها، اطلاع از برنامه کلاسی و امتحانی، انجام فرایند فارغ التحصیلی و ... از طریق این سامانه انجام می شود. دقت کنید در این سامانه، معمولا نام کاربری شماره دانشجویی و رمز عبور کدملی می باشد.	Education.cfu.ac.ir
سامانه مدیریت یادگیری دانشگاه فرهنگیان (LMS)	این سامانه محل برگزاری کلاس های درسی و امتحانات میان ترم و پایان ترم می باشد. همچنین تمامی اطلاعیه های اساتید، ارائه منابع آموزشی و بارگزاری تکالیف در همین سامانه انجام می شود. برای استفاده از کلاس های آنلاین، باید نرم افزار ادوب کانکت را نصب داشته باشید.	lms.cfu.ac.ir
سامانه یادگیری الکترونیکی دانشگاه فرهنگیان	این سامانه برای ارائه برخی کارگاه ها و محتوای های آموزشی جانبی استفاده می شود. برای ورود از کدملی برای نام کاربری و رمز عبور استفاده کنید.	elearning.cfu.ac.ir
سامانه پرونده سلامت	پرونده سلامت جهت آگاهی دانشگاه از سلامت جسمی و روانی دانشجو بوده که معمولا با اطلاع قبلی از سوی دانشگاه، نسبت به تکمیل آن توسط دانشجو اقدام می شود.	health.cfu.ac.ir





به تراز دور سلام

حسین سالخورده

«این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست؟»

در این راه قدم نهادن آسان نیست ولی تمامی آنان که آمده اند عاشق اند و میزبانانی که از جان مایه میگذارند برای عشاق. التماس میکنند تا بتوانند گرد از کفش زائری پاک کنند، زانو بزنند در برابر مهمانان ارباب تا کسی بادل شکسته برنگردد، تمنا میکنند تا جرعه ای آب از دستشان بگیری تا دیگر کودکی تشنه لب نماند. زمان، قافله این عشاق را هزار و چهار صد سال دیرتر به کربلا رسانده. میزبانانی که به حرمت حریمش از دار و ندارشان میگذرند و مهمانانی که به هر طریقی، حتی با پای پیاده آمده اند برای بر شانه گرفتن پرچم عزای مولایشان تا شاید اندکی از دلتنگی و انتظار ظهور امام بر حق زمانشان (مهدی (عج)) کاسته شود. اما برای از بین بردن تمام خستگی تنت همان لحظه دیدن گنبد طلایش کافیهست! دیدنش روح را نوازش میکند، قلبت را آرام می دهد و پاهای خسته ات جان دوباره ای میگیرند. گویی از نو متولد شده ای.

آری چهل روز از دردناک ترین، غمبار ترین و در عین حال باشکوه ترین واقعه زمین گذشت. زمین و زمان ناله کنان به زیر بیرق عزای سید و سالار شهیدان و هفتاد و دو تن یاران با وفایشان رفته. عالمیان در سوگ اند، درختان سرو قامتشان خمیده و چلچله ها نوای غم سر میدهند.

به راستی «این چه شورش است که در خلق عالم است»


چه باعث شده این چنین حماسه بینظیری حتی با گذشت قرن ها هنوز جاویدان بماند؟ چه میتواند جمعیتی به این بزرگی را هر ساله کنار هم جمع کند؟ جمعیتی که فرسنگ ها راه را پای پیاده پیموده اند تا در عزای برادر، زینب تنها نباشد. جواب کوتاه اما پر معناست! حسین (ع)...

عشق به او زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، سیاه و سفید نمی شناسد. عاشقش که شدی در رهش جان میدهی دیگر چند قدم پیاده روی که معنایی ندارد. اینجا معیار عشق حسین است و بس. همان پاهای تاول زده زائرانش هم برای نشان دادن اصالتش کافیهست. مهرش که به دلت نشست، آرام و قرار از کف میدهی، شبت ذکرش و روزت نامش میشود.





نامه ای از کبوتر دل شکسته

علیرضا بذرگری 

باشد. باشد من اصلا گنهکار و روسیاه درگه شما؛ اما شما که اربابید چرا چنین می‌کنید؛ مگر غیر این است که امام رئوفان شمائید؟ مگر غیر این است که امام خوبان شمائید؟

مولای من، امام من ببخش اگر بدی دیدی ز من، اقا جانم نگذار که حسرت دیدن ضریحت بر دلم بماند. نگذار که طعم شیرین بوسیدن ضریحت بر دلم بماند. نگذار که آرزوی شنیدن دوباره صدای نقاره خانه ات را با خود به حسرت ببرم.

دیدن و بوسیدن ضریحت هر پیری را جوانی، هر مریضی را شفایی و هر ناتوانی را توانی می‌دهد.

آری دیدن و بوسیدن ضریحت آن عمر بر باد رفته مرا باز خواهد گرداند و مرا دو سال جوانتر خواهد کرد.

مولای من شما را به چادر خاکی مادران زهرای مرضیه (س) قسم می‌دهم، شما را به اشک‌های ریخته شده‌ی عمه جانتان حضرت رقیه (س) در خرابه‌های شام قسم می‌دهم که از گناهان این نوکر حقیر درگذرید و بگذارید که باری دیگر به پاپوس شما بیایم.

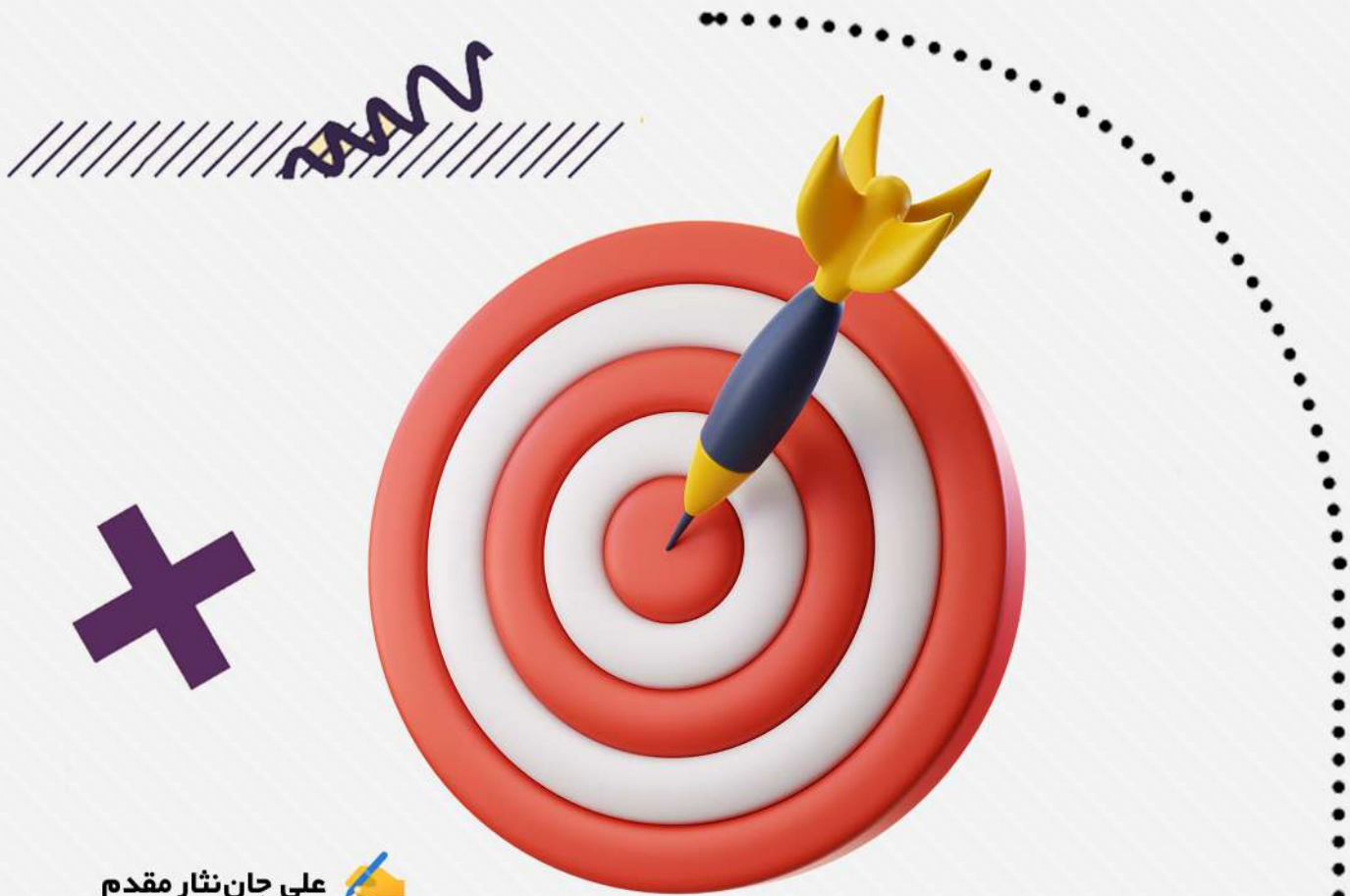
دلم زمزمه رضا رضا می‌خواهد
دلم صدای نقاره‌ها می‌خواهد
دلم مشهدالرضا می‌خواهد
سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای غریب‌الغربا و سلام بر تو ای معین‌الضعفاء

آقا جانم، گله‌ای دارم ز شما، گره‌ای دارم که گره‌گشای گره‌ام شمائید. مولای من، اکنون بیش از دو سال از شیوع این ویروس منحوس کرونا گذشته است در این دو سال آشنایان، دوستان و خانواده‌ام را طلبیدی اما من رانه.

هر بار که تصویری از بارگاه با شکوه و زیبای شما برایم می‌فرستادند، دلم پر می‌کشید به سمت گنبد شما، اما چه سود؟ می‌دانی در این دو سال که مرا نطلبیدی چه‌ها بر سرم آمد؟ می‌دانی هر بار با دیدن ضریح شما چقدر دلم شکست؟

تاوان این دل شکسته را که خواهد داد؟ این عمر ز دست رفته را که پس خواهد داد؟ مگر این غلام و نوکر شما چقدر بدی کرده که او را چنین ز خود دور می‌کنید؟





علی جان نثار مقدم

جذابیت کلام

دو بخش است :

۱ خوب سخن گفتن

۲ سخن خوب گفتن

خوب سخن :

گفتن شامل امور ظاهری سخن و سبک و نحوه و شیوه آن می باشد.

۱. رسا صحبت کردن: یعنی نه خیلی آهسته و نه خیلی بلند حرف زدن و کنترل حجم صدا به اندازه که صدایتان به راحتی شنیده شود البته که کنترل حجم صدا در جمع های مختلف و در محیط های مختلف متفاوت است.

۲. شمرده صحبت کردن: تند تند صحبت

تا به حال برایتان پیش آمده که پای صحبت های کسی بنشینیم و مدت ها از حرف زدن او بگذرد ولی خسته شدن از صحبت های او برای ما امری محال باشد. حتماً بعد از اتمام صحبت های این فرد یا حتی در طی صحبت های او به این فکر کردید که کاش من هم می توانستم اینقدر جذاب صحبت کنم! خوب کار نشد ندارد من اینجا هستم تا برای شما فنون جذاب تر صحبت کردن را شرح دهم شما با انجام این تمرین در بلندمدت و تبدیل این اصول به عادت می توانید کلام خود را وارد وادی جذابیت کنید. هنر سخن گفتن شامل

کردن باعث می‌شود مخاطب نتواند همزمان با کلامتان پیش رود و کند حرف زدن نیز موجب می‌شود گوش مخاطب به روند حرف‌هایتان عادت کند و کلام خسته کننده شود؛ سرعت ایده‌آل برای یک سخنران در هر دقیقه بین ۱۲۰ تا ۱۶۰ کلمه است.

۳. رعایت کردن فراز و فرود؛ و لحن و نقض کلام: می‌بایست لحن حرف زدن‌تان را به تناسب محتوای آن قسمت از سخنان تنظیم کنید مثلاً در بخشی که کلام متن حماسی و انگیزشی می‌شود دوز هیجان کلام را بالا ببرید و از لحن پر حجم‌تر و بلندتر و رساتری استفاده کنید؛ و یا در بخش یک کلام احساسی می‌شود از حجم صدا بکاهید و سخنان‌تان را شمرده‌تر و احساسی‌تر بیان کنید.

۴. واضح صحبت کنید: کلمات و جملات را به طور تمام و کمال و صحیح بیان کنید.

۵. با اعتماد به نفس سخن بگویید: برایان تریسی می‌گوید اگر شما به خودتان اعتماد نداشته باشید دیگران هم نمی‌توانند به شما حتی ذره اعتماد داشته باشند.

۶. صدایمان را روی گام مورد تایید تنظیم کنیم: به گونه‌ای صدای خود را تنظیم کنیم که در بهترین گام صدایمان بیرون بیاید و نه خیلی صدای زیر و نه خیلی صدای بمی داشته باشیم.

۷. کنترل تنفس: تنفس درس تنها باعث جذاب‌تر شدن و درست صحبت کردن ما می‌شود بلکه باعث کنترل استرس هنگام صحبت کردن و یا هر کار دیگری که استرس‌زا است می‌شود. تنفس درست برای فن بیان و آواز تنفس دیافراگمی (شکمی) است.

۸. استفاده از زبان بدن و فیزیک صورت و ارتباط چشمی: برقرار کردن ارتباط صرفاً به وسیله کلام نیست. می‌توانیم با بهره بردن درست از ارتباط چشمی زبان بدن تأثیرات کلام خود را به صورت چشمگیری زیاد کنیم.

۹. استایل ایستادن یا نشستن: نحوه نشستن علاوه بر تأثیر و تنفس و هواگیری و تأثیر بر کیفیت صدا بر

اعتماد به نفس شما نیز تأثیرگذار است هرچه در استایل شما کمر صاف‌تر و شانه‌ها بازتر باشد احساس اعتماد به نفس بیشتری هم به شما و هم به فرد یا افرادی که با آنها هم کلام هستید منتقل می‌شود.

۱۰. به صورت حق به جانب و عقل کل و از موضع نصیحت با فرد یا افراد مقابلتان وارد بحث نشوید.

سخن خوب گفتن:

۱. به آن چیز که می‌گویید خودتان باور داشته باشید: وقتی شما به مطالبی که می‌گویید اعتقاد قلبی داشته باشید و به آن عمل کرده باشید نحوه کلام و سخن شما کاملاً تغییر می‌کند و میزان اشتیاق و شفافیت آن افزایش می‌یابد و قابل باور‌تر و تأثیر گذارتر است.

۲. راجع به چیزی که نمی‌دانید سخن نگویید: با این کار فقط خود را دچار مشکل می‌کنید چون در موقعیتی قرار می‌گیرید که هم راه رفت و هم راه برگشت شما مسدود می‌شود.

۳. سعی کنیم کمیت کلام پایین آوریم و کیفیت آن را بالا ببریم: کم گوی و گزیده گوی چون در / تاز اندک تو جهان شود پر

۴. حرف‌های جدید و جالب برای گفت و گو داشته باشید: مطمئن هستم که از حرف‌های تکراری بیزار هستید و هیچ دوست ندارید که کسی مُدام، وقت شما را با حرف‌های تکراری بگیرد. دیگران هم همین‌طور هستند و علاقه‌ای ندارند که چنین حرف‌هایی را بشنوند، پس سعی کنید همیشه حرف‌های جذاب و جدیدی برای گفتن داشته باشید و اطلاعات و آگاهی خود را بالا ببرید تا بتوانید برای دیگران صحبت‌های جدیدی داشته باشید و برای هر شخصی فراخور خودش حرف بزنید.

۵. سوالات خوب و هوشمندانه بپرسید: بیشتر از سوالات شتريحي و توضيحي که دارای کلماتی مثل چگونه؟ چرا؟ چگونه؟ کجا؟ و... بهره ببرید و از سوالات تک کلمه‌ای بله یا خیر بپرهیزید.



هشت سال دفاع، دفاع از عشق، عشق به وطن هشت سال ایثار، ایثار برای ناموس هشت سال شهادت، شهادت در راه ایمان هشت سال دفاع مقدس در برابر تشنگان قدرت و دشمنان اسلام و انقلاب جهان شاهد شجاعت و فداکاری و خلوص نیت جوانان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بود و تاریخ در برابر مقاومت جانانه رزمندگان اسلام سر تعظیم فرود آورد جوانانی که همت وار و چمران گونه در مقابل کفر ایستادگی کردند. در راه عشق به میهن فهمیده ها به زیر تانک ها رفتند تا خونین شهر دوباره خرمشهر شود. چه عباس هایی در آسمان این مرز و بوم ستاره شدند تا دشمنی که گمان می کرد در مدت زمان اندکی به تهران می رسد و قلب ایران را فتح می کند این آرزو برایش به حسرت مبدل گردد.

همین هشت سال دفاع مقدس بود که عظمت و شکوه انقلاب و پیر خمین را به رخ جهانیان کشید جوانانی که حتی یک مشت خاک خود را به ابر قدرت های جهان ندادند، هشت سالی که باعث شد جمهوری اسلامی ایران در همه ی زمینه ها از ریشه قوی شود و نهال انقلاب به درختی تنومند تبدیل شود.

ایرانی که اکنون سرآمد خاورمیانه است ایرانی که اکنون خاورهای دور از شنیدن نامش به لرزه می افتند همان متجاوز گرانی که زمانی این مرز و بوم را بین خود تقسیم می کردند اکنون می دانند که ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم به برکت این انقلاب و دفاع مقدس است که ایران نماد صلح جهانی در منطقه محسوب می شود. این پرچمی که امام خمینی (ره) برافراشته با وجود رهبری شجاع، دانا و آگاه، دلسوز و مهربان، حضرت آیت الله خامنه ای قطعا به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد رسید به امید روزی که این انقلاب و پرچم این نهضت بزرگ به دست منجی عالم بشریت برسد.

عمران کمال پور 



دلیران تنگستان

رییسعلی دلواری مبارز مشروطه خواه و بزرگمردی بود که در جنگ جهانی اول، هدایت قیام جنوب در تنگستان و بوشهر علیه نیروهای انگلیس را بر عهده داشت و توانست با مجاهدت و رهبری خود و در راستای حفاظت از ایران استعمار پیر را به زانو درآورد و در عصر مشروطیت، جوانی ۲۴ ساله، بلند همت، شجاع، در صدق و صفا کم مانند و در حب وطن و توکل به خدا، ضرب المثل بود. اگرچه سواد و معلومات کافی نداشت، اما پاکی و سرشت و صفات حمیده او زبانزد اطرافیان بود. رییسعلی دلواری در ۱۲۶۳ خورشیدی در روستای دلوار از توابع تنگستان دیده به جهان گشود.

رییسعلی در حالی که ۲۵ سال بیشتر نداشت از جمله پیشگامان مشروطه خواه در جنوب ایران شد. او با همراهی دیگر مشروطه خواهان بوشهر را از حاکمیت استبداد قاجاریه خارج کرد. رییسعلی در دوران دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار علیه حکومت وی در جنوب دست به اسلحه برد و در ۱۲۸۷ خورشیدی به درخواست ملاعلی تنگستانی و سیدمرتضی مجتهد اهرمی که مخالف استبداد محمدعلی شاه قاجار بود، بوشهر را از سلطه عمال شاه قاجار آزاد کرد و حدود ۹ ماه شهر را در کنترل داشت. وی همچنین در کشاکش جنگ اول جهانی و در حمله انگلیسی ها به بوشهر، رشادت بسیاری از خود نشان داد. ماجرا از این قرار بود که در ۱۹۱۴ میلادی در آغاز جنگ جهانی اول نیروهای انگلیس از جنوب ایران را در معرض هجوم قرار دادند و کشتی های جنگی آنها در مقابل بوشهر لنگر انداختند و نیروهای اشغالگر به تدریج قصد اشغال بوشهر و نواحی ساحلی اطراف را داشتند. در واقع باید گفت بوشهر برای انگلیس به عنوان بندری تجاری و به لحاظ جغرافیای سیاسی در منطقه خلیج فارس با اهمیت تلقی می شد. حضور آلمان در بوشهر که در آن زمان با بریتانیا در جنگ بود، بهانه ای به دست داد تا آنها، این شهر را اشغال کنند. انگلیس مقامات کنسول آلمان را دستگیر کرد که این اقدام اعتراض ایران را در پی داشت. به همین دلیل رییسعلی دلواری با کسب تکلیف از علماء در اوایل رمضان ۱۳۳۳ قمری خود را برای دفاع از بوشهر و جلوگیری از پیشروی نیروهای انگلیسی آماده کرد و توانست آنها را شکست بدهد. در ایران به دلیل مجاهدت های این مبارز نامدار در ۱۳۸۹ خورشیدی و با مصوبه شورای عالی انقلاب سالروز شهادت وی برابر با ۱۲ شهریور به نام «روز ملی مبارزه با استعمار» نامگذاری شده است.

این مجاهد خستگی ناپذیر در ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ خورشیدی در محلی به نام «تنگک صفر» و در زمان شیخون به نیروهای انگلیس توسط فردی نفوذی به نام غلام حسین تنگکی، از پشت سر هدف گلوله قرار گرفت و در ۳۳ سالگی کشته شد. پیکر او نیز بنا بر وصیتش، در جوار حرم علی بن ابیطالب (ع) در وادی السلام نجف اشرف دفن شده است. آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب در بخشی از بیانات خود در دیدار اهالی بخش دلوار فرمودند: «رییسعلی دلواری قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس است و ملت ایران همانند شهید رییسعلی دلواری که در مقابل انگلیس ایستادگی کرد، امروز در برابر قدرت های متجاوز به سرکردگی آمریکا ایستاده است و از دشمنان خود هیچ واهمه ای در دل ندارد. بدون تردید با فضل خداوند بر ملت های مسلمان، اسلام کاخ های جاهلیت را در تمام دنیا ویران خواهد کرد و مظلومان را نجات خواهد داد.»

حمید زنگونی

ازدواج در دین مبین اسلام به عنوان یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده است که اولین گام برای رهایی از خودپرستی و خود دوستی و قدم نهادن در راه دگر دوستی است چرا که قبل از ازدواج برای انسان فقط یک "من" وجود دارد اما با ازدواج این حصار در هم شکسته می‌شود و موجود دیگری در کنار این "من" قرار می‌گیرد و بدان معنا می‌بخشد.

باب ازدواج یا نکاح یکی از ابواب بسیار مهم و مفصل کلیه منابع فقهی و حدیثی را تشکیل می‌دهد و خداوند متعال در کلام الله مجید در بیش از صد آیه به طور مستقیم به مباحث مربوط به ازدواج اشاره فرموده است و در بسیاری از آیات دیگر با عناوین مختلفی درباره این مسئله حکم داده است. گرچه امروزه مسئله ازدواج بنا به دلایل رایج به شکل یک جاده صعب العبور برای جوانان در آمده است اما صرف نظر از همه این موارد، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش که انسان برای بقاء نسل، آرامش جسم و روح، جلوگیری از فحشا و حل مشکلات زندگی بدان نیازمند است.

در این جا به اختصار مواردی چند از فواید ازدواج سالم را بررسی می‌کنیم:

انس و آرامش: قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» از نشانه های خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در نزد آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد.

حفظ عفت و مصونیت از گناه: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک روایت فرمودند: «من تزوج فقد أحرز نصف دینه» هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است و در روایتی دیگر فرمود: «من أحب أن يلقى الله طاهرا مطهرا فليلقاه بزوجة» هر که دوست دارد در قیامت خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند همسر اختیار کند.

سلامتی جسم و روان: دانشمندان بر این عقیده اند که ارضای صحیح و به موقع غریزه جنسی، برای سلامت جسم و جان یک ضرورت است و ترک آن باعث بیماری‌های روانی و امراضی از قبیل: ضعف اعصاب، اضطراب، افسردگی، یأس، تشنج، تندخویی، بدبینی، گوشه‌گیری می‌شود.

بقای نسل: بقای نسل بشر در گرو ازدواج و زناشویی است و در اسلام امر تربیت نسل یکی از وظایف والدین شمرده شده که در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

امنیت جامعه: اگر بنیاد خانواده مستحکم باشد، از فساد، طغیان، قتل و



و سرقت، جنایت و تجاوز به عنف و خودکشی تا حد زیادی کاسته می‌شود، چون اکثر این موارد از افرادی سر می‌زند که از کانون گرم خانواده محرومند.

پس از بحث در باب اهمیت و ضرورت ازدواج حال به سراغ مسئله "زمان مناسب برای ازدواج" می‌رویم. حتماً این سوال در ذهن شما هم هست: "کی ازدواج کنم؟!"

پیش از هر چیز باید بگوییم که سن ازدواج یک عدد به طور قطع نیست و ملاک تعیین آن به عوامل متعددی بستگی دارد که در پایان این مطلب به آن‌ها اشاره خواهیم کرد؛ مسئله‌ای که در ازدواج‌های زودهنگام اغلب نادیده گرفته می‌شود تغییر ملاک‌های همسرگزینی است. نوجوانی را در نظر بگیرید که به مقتضای سن خود درگیر رویاپردازی است در چنین شرایطی او معیارهایی برای انتخاب همسر در نظر دارد که ممکن است با گذر از مرحله نوجوانی و رسیدن به ثبات شخصیتی این ملاک‌ها دستخوش تغییراتی شود. به عنوان مثال ممکن است در سال‌های نوجوانی، اهمیتی که نوجوان به قضاوت و نظر دیگران قائل است در انتخاب شریک زندگی تاثیر گذار باشد. موضوعی که معمولاً با افزایش سن از اهمیت آن کاسته می‌شود.

در نقطه مقابل نیز ازدواج دیر هنگام از مزایایی از جمله رسیدن به ثبات شخصیتی، انتخاب عاقلانه‌تر، داشتن شرایط شغلی و اقتصادی بهتر و همچنین مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک همراه است. اما با چالش‌هایی اعم از کم شدن بعد عاطفی و هیجانی، افزایش فاصله سنی با فرزندان و حتی کاهش احتمال بارداری همراه است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

اسلام اصرار دارد بر اینکه ازدواج هر چه زودتر، از آغاز احساس نیاز انجام گیرد. زود که می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز به داشتن همسر می‌کنند. علت چیست؟ اولاً برکات و خیرات ازدواج، قبل از این

که زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد. ثانیاً جلوی طغیان‌های جنسی را می‌گیرد. لذا می‌فرماید: «من تزوج احرز نصف دینه». یعنی نصف تهدیدی که انسان درباره دین خود می‌بیند از طرف طغیان‌های جنسی است. چیزی که مشخص است در کل سن مناسب ازدواج عدد خاصی ندارد اما اینگونه تعریف می‌شود؛ هنگامی که یک جوان چه دختر و چه پسر به آن حد از بلوغ فکری و ذهنی برای اداره یک زندگی و رویارویی با مشکلات برسند می‌توانند ازدواج کنند. البته این تعریف به صورت تئوری بوده و عوامل بسیاری در ازدواج دخیل هستند همچون بحث بسیار مهم مالی و یا تفاهم و علاقه و سلامت روانی و اخلاقی که از این مطلب خارج هستند.

بنابراین نمی‌توان به طور قطع یک سن خاص را برای ازدواج تعیین کرد اما به طور معمول برای دختران سنین بین ۲۲ تا ۲۵ سال و پسران ۲۴ تا ۲۷ سال را مناسب برای ازدواج می‌دانند زیرا در این سنین بلوغ فکری حاصل شده و از نظر جسمی هم توانایی‌های لازم برای ازدواج فراهم شده است.

 **مهران شعبی**

قهرمانان سلامت

گرامی داشت روز پزشک یکی از مثبت‌ترین مناسبت‌ها در ما شهریور است. این قشراز مردم که همیشه نگهبان و حافظ جان مردم هستند در هر شرایط جان دیگران را بر جان خود ارجح می‌دانند حتی در این اپیدمی ویروسی خطرناک که ممکن است با حضور خود در مراکز درمانی جانشان را از دست

دهند. با این حال یک پزشک جان‌ش را در دست می‌گیرد و در صف

مقدم جنگ تن‌تن با ویروس می‌ایستد. در این دو سال چه جان

های عزیزی که از دست نرفته است و چه مردمان فرهیخته‌ای را

که از دست نداده‌ایم. پس کمترین کاری که ما می‌توانیم برای

این عزیزان انجام دهیم تقدیر و تشکر از پزشکان گران قدر و

گران مایه است.

ابوعلی سینا که بود؟

حسین بن عبدالله ملقب به ابن سینا، پورسینا، شیخ

الرئیس و ابوعلی سینا در سال 356 هجری شمسی در

بخارا پایتخت سامانیان (ازبکستان کنونی) پا به جهان

گشود. او فیلسوفی همه دان بود به طوری که تحولی

در پزشکی، ستاره شناسی، اخترشناسی، زمین شناسی،

جغرافیا، شعر و منطق ایجاد نمود و توانست در آن

زمان به یکی از مشهورترین فیلسوفان ایران زمین

تبدیل شود. وی 450 کتاب در زمینه‌های گوناگون

از جمله پزشکی و فلسفه به رشته‌ی تالیف درآورده

است. بعدها این نوشته‌ها بر افرادی چون ملاصدرا،

توماس آکوئیناس و دکارت تاثیر گذارد و در پیشبرد



اهداف آنان کمک رساند. ایشان هنگام سفر به همدان در این شهر به سبب بیماری چشم بر جهان بست. به جهت خدمات بیشمار این پزشک حاذق برای جهانیان روز پزشک را مصادف با روز تولد ایشان در تقویم قرار داده اند.

پزشک و پزشکی به چه معناست؟

در دانش پزشکی، پزشک یا دکتر شخصی است که شناخت کافی از بیماری‌ها و درمان آن‌ها دارد و به حرفه پزشکی می‌پردازد. در قدیم از کلمات حکیم و طبیب نیز به جای پزشک استفاده می‌شد. پزشک یک کلمه فارسی است که در شاهنامه نیز آورده شده است مانند:

کزین بگذری خسرو دیور شک / یکی دردمندی بود بی پزشک

یا بیت:

پزشک تو پند است و دارو خرد / مگر آژ تاج از دلت بسترد

و یا:

هر آن کس که دل تیره دارد ز رشک / مر آن درد را دور باشد پزشک

پزشکی یکی از شاخه‌های علوم سلامت است. این دانش با شناخت بیماری‌ها و تشخیص، درمان و جلوگیری به موقع از بروز آنها باعث حفظ و ارتقا سلامتی و بازتوانی آسیب دیدگان می‌شود، جامعه پزشکی همواره نقش به سزایی در جایگاه نظام سلامت کشور داشته است و نمی‌توان نظام سلامت را بدون جامعه پزشکی تصور کرد.

حسین احمدی پور 



عصای سفید

مصطفی عباسجو

رنگ سفید عصا به معنای صلح و دوستی، به معنای اینکه آهای مردم بینا! من با شما جنگ ندارم. به حقوقم احترام بگذارید من هم انسانم، همین و بس! رنگ سفیدی که در دنیای تیره و تاریک همچون پیامبر بیناست که مسیر نور و درست را نشان می‌دهد. ای کاش آنها دست‌های ما را بگیرند چرا که چشمانشان آلوده به زشتی‌های دنیای فانی نیست. آنها دل روشنی دارند که می‌توان ما را هدایت کنند.

چه تعداد از شخصیت‌های بزرگ و مهم نابینا را می‌توانید نام ببرید؟!

طه حسین (ادیب، نویسنده و سخنور بزرگ مصری)، رودکی (شاعر بزرگ ایرانی)، لوئیس بریل (خالق خط بریل)، هلن کلر (اولین نابینای ناشنوای فارغ التحصیل از دانشگاه) و صدها نفر دیگر.

۲۳ مهر روز جهانی عصای سفید گرامی باد.

برای چند دقیقه

چشمانتان را ببندید.

چه کارهایی می‌توانید انجام

دهید؟ چقدر شکرگزار نعمت‌هایی

هستید که خداوند بدون منت به ما عطا کرده؟

بعضی وقتها کور و کر شدیم، درگیر آدم‌ها و راه‌های

غلط زندگی شدیم، هرچه دیگران گفتند توجهی

نکردیم. به راهی که می‌رفتیم ایمان داشتیم. بعضیها

در ظاهر بینا هستند ولی چشم دلی بینا ندارند! ای

عزیز، مواظب چشم دلت باش! چشم‌ها را باید شست.

جور دیگر باید دید!

وقتی بخواهی برای یک نابینا دریا، ابرو... را توصیف

کنی آن لحظه متوجه می‌شوی که اصلا خودت بلد

نیستی حرف بزنی!

چشم‌ها هرگز خداوند را نمی‌بینند ولی دل‌های

روشن خدا را می‌یابند.

عطاء الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۲۸۱ ش (۱۳۲۳ ق) در خانواده‌ای روحانی در خمینی‌شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش میرزا اسدالله، فرزند میرزا محمد جعفر از منبریان و امامان جماعت و جد بزرگش از علمای جبل عامل بوده است. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در مدرسه «نوریه» یاد گرفت. در نه سالگی کتاب نصاب الصبیان را حفظ کرد. در ۱۲ سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد.

آیت الله اشرفی در ۲۰ سالگی برای ادامه تحصیل به قم رفت و به مدت بیست و سه سال در مدرسه رضویه و مدرسه فیضیه تحصیل کرد و در ۴۰ سالگی به درجه اجتهاد رسید. او در درس شیخ عبدالکریم حائری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت و سید حسین بروجردی شرکت کرده و فلسفه را از سید روح الله خمینی فرا گرفت. سید محمد تقی خوانساری به وی درجه اجتهاد داد. آیت الله بروجردی نیز عنایت ویژه به او داشت به طوری که هر وقت اشرفی به اصفهان می‌رفت و باز می‌گشت، آیت الله بروجردی به دیدار شاگردش به حجره او در مدرسه فیضیه می‌آمد.

پس از درگذشت آیت الله بروجردی، اهالی غرب کشور را به تقلید از امام خمینی تشویق کرد وی از آن ایام چنین یاد می‌کنند: «اینجانب بر حسب تشخیص خود و تفحصی هم که از شخصیت‌های بزرگ علمی نجف اشرف و حوزه علمیه قم نمودم، حضرت امام خمینی را شایسته برای مقام مقدس مرجعیت معرفی نمودم و عامه مردم را در امر تقلید به سوی ایشان سوق دادم که این موضوع، با مخالفت و کارشکنی بعضی‌ها رو به رو شد و همچنین تهدید ساواک به تبعید بنده را در پی داشت.

در اوایل پیروزی انقلاب، امام خمینی با شناختی که از او داشتند و به درخواست علمای کرمانشاه آیت الله اشرفی را به امامت جمعه آن شهر تعیین کردند آیت الله اشرفی اصفهانی با شروع جنگ در خطبه‌های نماز جمعه و پیام‌ها و مصاحبه‌های خود به حضور مردم در جبهه تأکید می‌کرد. با حضور در جبهه‌ها ضمن دیدار با رزمندگان برای آنان سخنرانی می‌کرد. پس از آزادی قصر شیرین به آن شهر سفر کرد و دو رکعت نماز شکر در مسجد آن شهر به رسم سپاسگزاری به جای آورد. در دوم فروردین ۱۳۶۱ ش در قرارگاه عملیات فتح المبین حضور یافت و با پیشنهاد ایشان این عملیات به نام حضرت زهرا نام‌گذاری شد.

پس از آزادی خرم‌شهر نیز در دومین سفر خود عازم اهواز شد و مردم این شهر نماز شکر را به همراه او به جای آوردند.

آیت الله اشرفی اصفهانی در مدت نمایندگی امام خمینی در استان کرمانشاه دوبار مورد سوء قصد قرار گرفت و در ظهر جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ در نماز جمعه مسجد جامع کرمانشاه و توسط سازمان مجاهدین خلق به شهادت رسید. پیکر او پس از تشییع در کرمانشاه و خمینی‌شهر در گلزار شهدای تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. وی بنا به وصیت خودش در تخت فولاد اصفهان و در کنار آیت الله سید ابوالحسن شمس‌آبادی به خاک سپرده شد. بخشی از بدن وی که بعدها پیدا شد، در گورستان باغ فردوس کرمانشاه به خاک سپرده شد. در تهران بزرگراهی به نام وی نام‌گذاری شده است. او یکی از امامان جمعه‌ای است که در ایران به شهدای محراب مشهورند. امام خمینی در پیام تسلیتی خود را از ارادتمندان شهید اشرفی دانست و از صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی از هواهای نفسانی و تارک هوی بودن او یاد کرده و مجاهدت‌های او را ستوده است.

علی عباسی

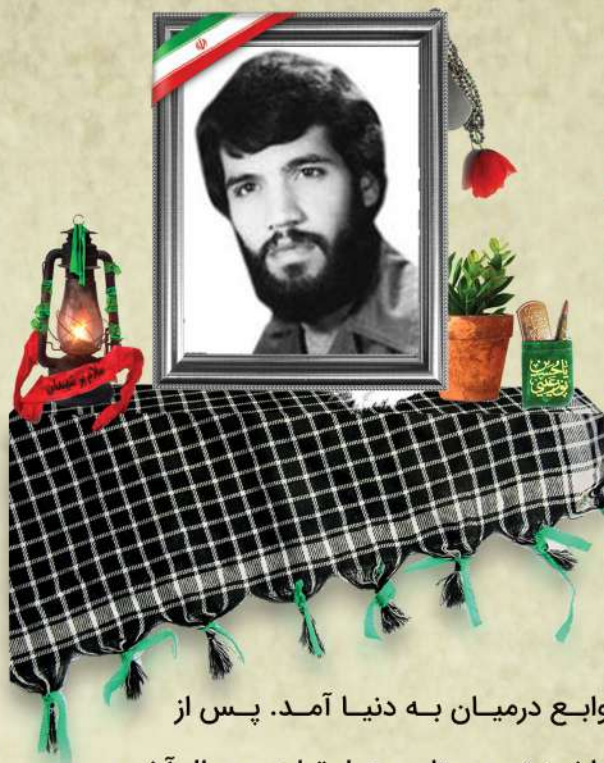


زندگی به سبک شهیدا



محل تولد: درخش، درمیان
تاریخ شهادت: ۱۱ مردادماه ۱۳۶۲
محل شهادت: مهران

سعيد حسینی قهستان



شهید حسین قاینی در یکم خرداد سال ۱۳۳۴ در روستای درخش از توابع درمیان به دنیا آمد. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش، سه سال اول دبیرستان را نیز در روستای محل تولد و سال آخر را در یکی از دبیرستان های بیرجند گذراند. بعد از آن به سربازی رفت. دوران سربازی را در گارد طی کرد که همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی بود. حسین در پخش و تکثیر پیام ها و اعلامیه های حضرت امام (ره) نقش بسزایی داشت. پس از پیروزی انقلاب وارد کمیته انقلاب اسلامی شد و بعد از آن به دلیل نیاز از اولین افرادی بود که به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیرجند پیوست و مأموریت های حساسی را چون اعزام به منطقه زلزله زده زیرکوه، اعزام به محل حمله نظامی آمریکا در طبس و نقاط مرزی افغانستان را انجام داد. مدتی در سپاه پاسداران بیدخت و بجنورد مشغول خدمت شد. سپس به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد. شهید حسین قاینی، چهار بار به جبهه رفت و در مرتبه سوم معاون گردان ولی... از تیپ جواد الائمه (ع) بود که از ناحیه سر مجروح شد. مدتی به عنوان جانشین فرمانده عملیات سپاه و مسئول ستاد تبلیغات جبهه و جنگ انجام وظیفه کرد. شهید آخرین بار به عنوان فرمانده گردان والنازعات از تیپ ۲۱ امام رضا (ع) به جبهه اعزام شد. حسین قاینی در ۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۲ در عملیات والفجر در جبهه مهران به شهادت رسید و پیکر مطهر او را در زادگاهش روستای درخش دفن کردند. ابیات زیر نمونه ای از سروده های شهید حسین قاینی است.

گوشه ای از وصیت نامه شهید حسین قایینی:

چگونه من و ما ساکت بنشینیم که در مرز به دست سربازان کافر و نیروی
بعث عراق جنایتکار تجاوز ناموسی صورت بگیرد.

ما همه و مادرهای همه این ملت مظلوم؛

چگونه ساکت بنشینیم در تلویزیون یک کودک خردسال ۱۰ ماهه را به
معرض نمایش می گذارند که به دست افراد از خدا بی خبر صدامی شهید
می شود.

پس ای ملت مظلوم،

خروش برآورید و به پا خیزید که اگر خدای ناکرده این منافقین و این جنایتکاران شرق و غرب بر ما غلبه کنند،
دمار از روزگار ما در می آورند.

ولی آنها باید بدانند که خودشان و یارانشان باید این آرزو را به گور ببرند...

جوان یا نوجوان بودی که شستی دست از جانت

و جانت را فدا کردی برای خاک ایران

همه سیم و زر دنیا نمی شد مانعت چون که

نبودی طالب دنیا و بودی عبد ایمانت

برای پاسداری از وطن سوگند خوردی و

سرت در راه آن رفت و نرفت از یاد، پیمانت

حسادت می کنم گاهی به شان و جایگاه تو

که روزی می خوری در پیشگاه ربّ رحمانت

قسم به صفحه های پاره ی قرآن جیبی ات

قسم به قطره قطره خون پاک تو و یارات

همیشه آرزویم بوده این و هست و خواهد بود

که باشد در وجودم ذره ای از کوه وجدانت

برای میهن ما مایه ی فخر و مباهاتی

مسیرت جاودان هست و شهادت نیست پایانت...

در مسیر تربیت

چالش‌ها و مشکلات مشاوران مدارس

مقدمه؛ چند کلامی را قرار است درخصوص برخی از عواملی صحبت کنیم که بر کیفیت ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس ایران تاثیر منفی قابل توجهی گذاشته است و سبب شده مشاوره در مدارس ما آنطور که باید و شاید جدی گرفته نشود!

برخی عوامل توجیه‌کننده ضعف مشاوره در مدارس؛

تفکر حاکم بر سیستم آموزشی کشور به سمتی سوق پیدا کرده است که انگار، هدف مدارس فقط فرستادن دانش آموزان به دانشگاه است! با ادامه داشتن این روند ممکن است خیلی چیزها مثل سلامت روان دانش‌آموزان قربانی شوند تا آنها فقط درس بخوانند و به دانشگاه بروند (ظاهرا داشتن مدرک دانشگاهی از نان شب هم واجب‌تر شده است و همه بدنبال گرفتن آن هستند درحالی که آیا لزوما همه باید به دانشگاه بروند، آخر به چه قیمتی؟! حاکم بودن این سبک تفکر سبب شده تا بیشتر مشاوران مدارس بیشترین زمان خود را صرف مشاوره تحصیلی و مشاوره کنکور کنند درحالی که برای سایر حوزه‌ها کاری از دستشان بر نمی‌آید.

اغلب افراد وجود مشاور در مدارس را لازم می‌دانند چراکه معلم به تنهایی نه می‌تواند و نه فرصت لازم را دارد که به مشکلات روحی، روانی و خانوادگی تمام دانش‌آموزانش رسیدگی کند اما در عمل، بسیاری از مدارس ما اصلا مشاور مدرسه ندارند و ظاهرا مدارس ابتدایی داشتن مشاور را در خواب هم نخواهند دید! فعلا سیاست آموزش و پرورش



تخصیص مشاور صرفاً به متوسطه اول می‌باشد و تعدادی مدارس خاص در متوسطه دوم هم مشاور دارند اما باوجود اینکه متخصصان روان‌شناسی رشد به این موضوع اذعان می‌کنند که بسیاری از مشکلات روان‌شناختی و رفتاری دانش‌آموزان در سال‌های کودکی قابل پیشگیری بوده و بهترین زمان درمان آنها هم همین دوران است اما چون فرد متخصصی وجود ندارد تا این مشکلات را تشخیص داده و در جهت رفع آنها اقدام جدی انجام دهد، شدت مشکلات دانش‌آموزان در پایه‌های بالاتر بیشتر خواهد شد.

علی‌رغم تعداد کم مشاوران خبره و ماهر در بدنه سیستم آموزش و پرورش، ساعاتی را هم که مشاوران در مدارس حضور دارد هم بوسیله تدریس اجباری برخی دروس، محدود تر شده است. برخی انتقادات حاکی از آن است که مشاور مدرسه هرگز نباید معلمی کند چراکه این کار را به معلمی سپرده و خود به وظایف محول شده خود بپردازند (البته، مواقعی پیش می‌آید که مشاور در کلاس درس حضور پیدا کرده و درخصوص موضوعی، مطالبی را به دانش‌آموزان ارائه می‌کند اما اسم این کار راهنمایی است و بخشی از وظایف او ولی درکل بهتر است مشاور مشاوره دهد و معلم معلمی کند)

و عوامل دیگر از جمله؛ عدم نظارت جدی و کافی بر عملکرد مشاورین مدارس، عدم مشارکت جدی و فعال کارکنان مدارس با مشاور، ناهماهنگی در برنامه و اشکال در محتوای مواد آموزشی رشته مشاوره در دانشگاه‌های مختلف و عدم توجه کافی متقاضیان رشته مشاوره درخصوص اهمیت و جایگاه ویژه این رشته در مدارس را می‌توان بعنوان دیگر عوامل توجیه‌کننده ضعف مشاوره در مدارس یاد کرد.

فرزین ملکوتی 



{ اهمیت تربیت جنسی }



یکی از گرایز مهم و اساسی غریزه جنسی است که نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان دارد. اهمیت ارضای این نیاز به ویژه در مراحل بلوغ و بعد آن به میزانی است که میتوان گفت هر کس دارای شخصیت جنسی مخصوص به خودش است. طبق نظریه فروید در هر مرحله از رشد نوعی رفتار جنسی عادی است. تربیت جنسی باید در یک برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده متناسب با مقتضیات سنی و به پیروی از عقل و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت‌های افراد صورت گیرد عدم توجه به شرایط سنی و ذهنی در هر مرحله از رشد و طرح شتاب زده ای مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا باشد و ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد که با فلسفه‌ی تربیت و رشد ناسازگارند. تربیت جنسی یک لزوم و امری عادی و روتین است که باید آن را گسترش دهیم. دلایل متفاوتی وجود دارد که نمایانگر اهمیت گفتگو در مورد مسائل جنسی با کودکان می‌باشد. هنگامی که با فرزند خود در مورد مسائل جنسی صحبت می‌کنید، باید مراقب باشید که آیا اطلاعاتی که کودک کسب می‌کند، خوب و مفید، و درست و کافی هست یا خیر.

اعتماد کودک را سلب نکنید

اگر شما از گفتگو پیرامون مسائل جنسی سر باز زنید، و قضایا را به سکوت برگزار کنید، کودک تلاش می‌کند که این اطلاعات را به طرق دیگری کسب کند. آنگاه خوب و بد امور، و مناسب و نامناسب بودن کارها را از زبان دیگران می‌شنود. در این صورت، شما دیگر از چگونگی اندیشیدن کودک خود در مورد تمایلات و مسائل جنسی اطلاع نخواهید داشت. این امر در ۴ تا ۶ سالگی نمود ویژه‌ای پیدا می‌کند. اگر در ۴ تا ۶ سالگی به سوال‌های کودکان پاسخ دهید و با او ارتباط بگیرید او به شما اطمینان خواهد کرد و سوال‌های خود را در سن نوجوانی از شما می‌پرسد. اما اگر شما با دروغ گفتن و انکار کردن از پاسخ دادن به سوالات وی سر باز بزنید شاید زمان بگذرد ولی با رسیدن به سن نوجوانی فرزند شما منبع دیگری برای یافتن پاسخ هایش انتخاب می‌کند که اغلب این منبع گروه همسالان است.

نظریه‌های تربیت جنسی

اختلاف دیدگاه‌های مردم جهان در این مسئله مهم زندگی بساری زیاد است. در جوامع غربی سه دیدگاه اصلی و بسیاری نگرش‌های متفرقه در این مورد وجود دارد. یکی دیدگاه مذهب کاتولیک در مذهب اخلاقی جنسی که تا اندازه‌ی زیادی



به موازین اسلامی نزدیک است، دوم دیدگاه مذهب پروتستان که آمیخته‌ای از نگرش‌های سنتی و نگرش‌های لیبرالی در اخلاق جنسی است و دیدگاه سوم دیدگاه لائیک است (دیدگاه اثباتی) که اساساً نوعی بی‌بند و باری جنسی است و اخلاق جنسی را صرفاً به تصمیم گیریه‌ای افراد واگذار می‌کند.

آیا تمایلات جنسی در کودکان وجود دارد؟

سأله وجود احساسات جنسی در کودکان انکار می‌شد و این امر البته منطقی به نظر می‌رسید، چرا که رفتارهایی از قبیل هم آغوشی و ارضاء شدن در بچه‌ها مشاهده نمی‌شود. در نتیجه این‌طور تصور می‌گردید که بچه‌ها فاقد احساسات جنسی هستند. اما اگر نگاه وسیع‌تری به تمایلات جنسی داشته باشیم، در آن صورت مسائل جنسی حیطه‌ی وسیع‌تری را دربر می‌گیرد. به طور مثال نگاه کردن به بدن یکدیگر و لمس آن، نگاه کردن به آلت تناسلی و لمس آن، یا دکتربازی و یا بوسیدن همدیگر. همه این رفتارها می‌توانند احساسات و هیجاناتی در دستگاه تناسلی ایجاد کنند. کودکان می‌توانند همه این رفتارها را داشته باشند و دچار هیجانات ناشی از این رفتارها نیز بشوند. تمایلات جنسی دارای دو وجه عاطفی و جسمانی است که هر کدام به ترتیب دارای کارکردهای مختلفی می‌باشند. از جمله هم آغوشی و ارضای جنسی و یا ایجاد ارتباط و آرامش. با گذر سالیان، تمایلات جنسی شکل نوعی وسیله ارتباطی به خود می‌گیرد. این تمایل در ابتدا به ویژه متوجه لمس کردن و اکتشاف تن خود است و در ادامه به کشف و لمس بدن دیگر می‌انجامد. تمایلات جنسی کودکان نباید با تمایلات جنسی بزرگسالان مقایسه شوند، چرا که تمایلات جنسی کودکان دارای جنبه‌های دیگری نیز هست و عملکردها و اشکال بروز آن متفاوت از بزرگسالان می‌باشد. خود ارضایی اولیه یا خود لمسی برای اولین بار در این سنین اتفاق می‌افتد اما از آنجا که کودکان هورمون جنسی ندارند شکل آن کاملاً متفاوت با بزرگسالان است.

چگونه به سوالات کودکان پاسخ دهیم؟

کودکان از سن ۴ الی ۶ سالگی شروع به سوال پرسیدن می‌کنند. بهترین زمان آموزش مسایل جنسی به کودکان زمانی است که خود کودک سوال می‌پرسد و موضوعی را مطرح می‌کند. در این موقع حس کنجکاوی کودک برانگیخته شده و باید از آن به بهترین شکل بهره برد. نکات مهمی که باید در پاسخگویی به کودکان به آن توجه کرد:

۱. شنونده فعال باشیم. بگذاریم کودک کامل سوالات خود را بپرسد و حرفش را بزند. همچنین با گفتن جملاتی مانند (چیز دیگه ای هم هست که بدونم؟) اجازه دهیم بقیه سوالات خود را نیز بپرسد ۲. سعی نکنیم جمع را به پایان برسانیم یا جمعش کنیم. بعضی مواقع هنگامی کودکان سوالات خود را می‌پرسند پدر و مادر ها شنونده فعالی نیستند و سعی دارند هر جور شده بحث را به پایان برسانند. این کار باعث می‌شود کودک با انبوهی از سوالات در ذهن بماند و بعد از گرفتن جواب های متناقض به دنبال منبع دیگری برای سوالات خود باشد.
- ۳ بعضی مواقع در این پرسش و پاسخ خود کودکان جواب درست را می‌دهند و لازم نیست اطلاعات اضافه تری به آنان بدهیم.

حسین زراعتگر 



لسان الغیب

امیرحسین شهابادی

خواجه شمس الدین محمد حافظ به سال ۷۹۲ هجری قمری در شیراز که خاک عنبر آمیزش عشق می‌رویاند و باغهای سرو سر به فلک کشیده‌اش صاحب‌الان را درس ایستادگی و آزادگی می‌داد، دیده به جهان گشود. در دوران جوانی پدرش ملاء‌علی جایگاه قدس قدسیان عروج فرمود و سه فرزند و همسر خویش را تنها گذاشت. برادران بر اثر فشار تنگدستی هریک به دیاری رفتند و محمد با مادر تنهای تنها با بیم و هراس به آینده‌ای که داشتند می‌اندیشیدند تا اینکه مادر محمد فرزند کوچک خود را که آن روز از اداره‌اش ناتوان بود، امور تربیت و تحصیلش را به آشنایی از اهل راز سپرد، از این زمان فراگیری را در کنار کار و کسب آغاز کرد محمد پس از گذشت زمانی کوتاه خود کوشید کاری مستقل اختیار کند راه زندگی را به تنهایی بییماید و با سختیها آشنا شود به همین جهت شاگردی دکان نانوائی را اختیار کرد و به شغل خمیرگیری مشغول شد. چون خمیرگیران را رسم بود که از نیمه شب برخیزند و خمیرنان صبحگاهی را فراهم آورند، این سنت برای محمد بسیار فرصت مناسبی بود که ساعات خاص سحرگاهی را درک کند و ارفیوضت آن بهره مند گردد، که فرموده اند بیداری سحرگاهی مقدمه بیداری باطنی و بینش روحانی و حرکت ملکوتی و روشنائی معنوی او گردید، که خود پس از طی مراتب معنوی فرموده است:

«هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود»

رفتن به مکتب: در همان ایام که به خمیرگیری در دکان نانوائی اشتغال داشت رفت و آمد مکتب خانه ای که در جنب محل کسب او بود نظرش را به خود جلب نمود مصمم شد که در کنار دیگران به فراگیری مقدمات علوم رسمی بپردازد. به امید لطف و عنایت الهی به مکتب رفت و شروع به تحصیل علم نمود، از آنروز درآمد روزانه اش را که از خمیرگیری کسب می‌کرد به چهار قسمت تقسیم نمود، قسمتی برای معاش مادر، قسمتی برای معلم، قسمتی برای خود و قسمتی برای فقراء اختصاص داد. در همین ایام نیز قرآن را به خوبی فرا گرفت.

تکمیل علوم رسمی: به حوضه درس خواجه قوام الدین عبدالله که از بزرگان اهل عرفان و از جهت دانش در زمان خویش سرآمد اقران بود تلمذ

نموده، علوم متنوعه را آموخت. در مراتب عرفان و قرائت قرآن، نادره زمان بود و تمامی آن کتاب آسمانی را با ۱۴ روایت در حفظ داشته است و آنچه از عرفان و حقیقت نصیبش شده بود همانا از برکت قرآنی می‌دانست که فرموده است:

«عشقت رسد به فریاد، گر خود بسان حافظ قرآنی زبر بخوانی با چهارده روایت»

خواجه خود را ملزم نمود که شبهای جمعه در گرد مقصوره‌ای که میان مسجد شیراز واقع است تا صبح بگردد و با صدای خوش ختم قرآن نماید. دشتی در کتاب تحقیقی، تحلیلی «نقاشی از حافظ» درباره معلومات دانش وی نگاشته است: محققاً حافظ بر تمام معلومات عصر خود احاطه داشته است اینکه می‌گویند قرآن را از حفظ می‌دانسته و خود او نیز بدان اشاره می‌کند تنها عبارت قرآن نبوده است، حقیقت قرآن با تمام تفاسیری که تا آن تاریخ دماغهای فعال و متحجر علمای دین نوشته و بر حقایق آن روشنایی پاشیده بودند می‌دانسته، از فقه و حکمت اشراق بهره وافر داشته است، بر علوم ادبی زبان عرب مسلط و به زبان فارسی و گنجینه‌های بی‌مانند آن مستولی بوده، در تصوف قدم زده و به کنه معارف آنها رسیده و شاید مدتی هم سالک طریقه‌ای بوده و فکر آزاد او که از هر قالبی می‌گریخته از حوضه رسمی آنها کنار گرفته است. کناره‌گیری حافظ به علل گوناگون از حوضه‌های رسمی با وضوح و روشنی و گاه «رندانه» و «طنز آلود» در غزلیاتش بازتابی روشن و گسترده و وسیع دارد:

«از قیل و قال مدرسه آری دلم گرفت

یک چند نیز خدمت معشوق و می‌کنم»

آثار حافظ شیرازی: حافظ شیرازی از همان زمان که در قید حیات بود، در سراسر جهان اسلام توسط شاعران معاصر از بغداد تا هند مورد تحسین واقع شده و امروز محبوب‌ترین شاعر در میان ایرانیان و از شاعران بزرگ جهان است که آثار او در اکثر کتابخانه‌های بسیاری از کشورهای از جمله آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به وفور یافت می‌شود. اشعار حافظ توسط بسیاری از شاعران و بزرگان دنیای غرب از جمله گوته، ثورو و رالف امرسون مورد تحسین و از حافظ به عنوان «شاعر شاعران» نام برده شده است. در سال ۱۷۷۱ میلادی، آثار حافظ توسط ویلیام جونز (محقق هندی) برای اولین بار به انگلیسی ترجمه شد. دیوان حافظ شامل ۵۰۰ غزل، ۴۲ رباعی و چندین قصیده می‌باشد که در طول ۵۰ سال سروده است. گردآوری دیوان حافظ که توسط محمد گل اندام در سال ۱۴۱۰ میلادی و ۳۲ سال بعد از مرگ حافظ تالیف شده است.

ویژگی‌های شعر حافظ: از مهم‌ترین خصوصیت‌های اشعار حافظ قدرت تاویل پذیری است. به طوری که هر کس دیوان حافظ را باز می‌کند و غزلی می‌خواند، با توجه به شرایط روحی و حال و هوای خود برداشت خاصی از شعر خواهد داشت، گویی حافظ آن شعر را فقط برای حال آن لحظه او سروده است!

بزرگداشت حافظ: بیستم مهرماه روز بزرگداشت حافظ می‌باشد که در این روز جشن‌ها و برنامه‌های متنوعی در شیراز و سایر نقاط جهان برگزار می‌شود. عمده برنامه‌های این روز شامل شب شعر، گل افشانی آرامگاه حافظ، نمایش و رونمایی از دیوان‌های شعر حافظ و غیره می‌باشد.



برخورد با یک دانش آموز قلدر

تقریباً اوایل دهه ۸۰ بود که معاون یکی از مراکز پیش دانشگاهی بودم. مرکز، مرکز خوب و بزرگی بود و تقریباً هرکس بیشتر اهمیت میداد فرزندش را به این مدرسه می آورد. آموزشگاه پرکاری بود و من هم معاون آموزشی بودم. زمانی بود که کنکور پر رنگ تر بود و قبولی مثل الان در دانشاه ها آسان نبود. یک روز صبح یک دختر که از مشهد آمده بود به مدرسه ما وارد شد. من در سالن بودم. ما همه رشته هارا داشتیم. رشته های نظری. این خانم آمد جلو و پرسید که خانم جلیلی شما هستید - حالا من اورا میشناختم و یادم بود که برای ثبت نام آمده بود؛ معمولاً بچه هارا میشناختم و به ذهن میسپردم. یک تعداد از دختران هم با او بودند - من هم گفتم بله. از دانش آموزان رشته انسانی بود. گفت من از شما خواهش میکنم که نمره انضباط من را بالا ندهید. حالا آن زمان نمره انضباط یک اهرم در دست معاون بود و معمولاً در دانشگاه هم خیلی به آن توجه میکردند. گفت نمره من را بالا ندهید چراکه کسرشان من میشود. دخترانی که کنار او بودند خیلی متعجب کردند که او با معاون مرکز اینگونه صحبت کرده است. آن زمان چون پیش دانشگاهی از دبیرستان جدا بود، بچه ها معمولاً شناختی از معاونین نداشتند که روحیه آنها را بشناسند. بعد از این حرف بچه ها به من نگاه کردند و به او هم نگاه میکردند. من حس کردم او میخواهد من را با این کار خلع صلاح کند. من یک نگاهی به او کردم و خندیدم. گفتم: «چه جالب فاطمه جان. ما در این مورد هم عقیده ایم. من هم به نمره انضباط هیچ عقیده ای ندارم. یک عدد است که هیچ ارزشی ندارد و در ملاک های من هم نمره انضباط نیست.» گفت: «پس شما چطور ارزشیابی میکنید.» من هم گفتم: «حالا در طول سال متوجه خواهی شد. ولی برای من هم نمره انضباط هیچ ارزشی ندارد و از نظر من یک عدد است و خیلی نمیتواند ارزیابی کند و بحث هایی که معاونین دارند خیلی برای من ارزش نیست.» ببینید داستان مربوط به بیست سال پیش است که معاونینی ناخن بچه ها را نگاه میکردند و... ولی من منش خودم را داشتم.

در ادامه سعی کردم به او نزدیک بشوم. حدس میزدم آسیبی دیده است که بعد متوجه شدم خانواده متلاشی شده دارد و وضعیت روحی خوبی ندارد. شما بدانید وقتی کسی میخواهد آسیب بزند او حتماً قبلاً آسیب دیده است و الا الکی آسیب نمیزند. به دنبال این موضوع نیست. به هر حال سعی کردم با او بیشتر انس بگیرم و کمی به او نزدیک بشوم. ما در طی سال به اشکال مختلف ارتباط گرفتیم. مثلاً در زنگ های تفریح به بچه ها میگفتیم که از سالن خارج بشوند. یم روز از او خواستم کمک من کند و در این امر مرایاری کند. گفتم تو لیدری و خیلی از بچه ها از تو حرف شنوی دارند؛ من به کمک تو خیلی احتیاج دارم. او هم گفت: «بله خانم

جلیلی غصه خوردید. من به شما کمک میکنم حتما.» خلاصه طوری شده بود که او در مواردی دست راست من شده بود و هر جا که به مشکل میخوردم از او کمک میگرفتم. خیلی از بحث هایی که مدنظرش بود رعایت نکند به این وسیله رعایت میکرد. ارتباط ما خیلی متفاوت شد. گاهی به مزاح حتی به کار های من انتقاد میکرد. مثلاً با خنده میگفت که تنبیه کردن به شما نمی آید و خیلی از این موضوعات. الحمدلله خیلی سال خوبی بود. یک تهدیدی بود که به لطف خدا تبدیل به فرصت شد.

مراد من از بیان این داستان این بود که بگویم هر دانش آموزی یک راه نفوذی دارد. این هنر معلمی هست که چطور بتوانند با آنها ارتباط بگیرد و پیدا کند که دانش آموز چه آسیبی دیده است و از چه راهی باید ورود کند برای حل مشکل او. نمیخواهم بگویم من این هنر را داشتم، نه؛ من هم در خیلی از جاها درست عمل نکردم. اما همیشه مدنظرم بود بهترین و درست ترین انتخاب را داشته باشم.

درخصوص این دانش آموز من کار چندانی نکردم. اما یک همدلی ساده و یک همراهی ساده موجب شد که جهت کار او عوض شود. این دانش آموز طبق صحبت بچه ها قبلاً لیدر کار های منفی در مدارس بوده است اما آن سال کلاً جهت کا عوض شد. این که او احساس کرد یک اشتراکی ما باهم داریم و من او را درک میکنم موجب شد تا همراهی او بیشتر شود و آن مشکلات مرسوم سایرین را نداشته باشد. به او میگفتم: «من با تو نقطه مشترک دارم که در اولین برخورد فهمیدم؛ این که هیچکدام از ما به نمره انضباط اعتقادی نداریم» این همراهی در آن سال خیلی به من کمک کرد و از مشکلاتی که خیلی ها پیش بینی آنرا میکردند جلوگیری شد.

امیر عربی

براساس داستانی از سرکار خانم دکتر حمیده جلیلی

کعافه کتاب

توجه ما قرار دارد، در کانون توجه دانش‌آموزان نیز قرار می‌گیرد و اندیشه و رفتار ما بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر ما برای ایجاد روابط خوب و قابل اعتماد تلاش کنیم، دانش‌آموزان نیز تلاش می‌کنند تا رضایت ما را به دست آورند. اگر به گونه‌ای رفتار کنیم که اعتبار خود را از دست بدهیم، دانش‌آموزان نیز بر علیه ما کار خواهند کرد. دانش‌آموزانی که هر روز به کلاس درس قدم می‌گذارند از ما انتظار دارند که برای تنظیم روابط و کیفیت تعاملات تلاش کنیم. اگر یک شیوه مثبت بر اساس اصول حرفه‌ای بنا نهیم، آن‌ها نیز خودشان را با آن شیوه، جور خواهند کرد. در مقابل، اگر طرز برخورد ما منفی و خشونت آمیز باشد، آن‌ها نیز به همان شیوه واکنش نشان خواهند داد.

امیرعلی محمدیان



کتاب «معلمان موفق متفاوت عمل میکنند» اثر تاد ویتاگر

آموزش و پرورش، شغل سختی است. روزها طولانی سپری می‌شوند و گاهی اوقات، مشکلات جدی ممکن است بروز پیدا کند. آنچه که همواره و در درجه اول در کانون توجه معلمان بزرگ قرار دارد دانش‌آموزان هستند. اگر چه اغلب معلمان در زمانی که شرایط بر وفق مراد است ظاهراً این مطلب را تأیید می‌کنند اما برترین معلمان در شرایط دشوار نیز به این مطلب، جامه عمل می‌پوشانند. ما می‌دانیم که در درجه نخست باید دانش‌آموزان در کانون توجه مدارس قرار داشته باشند و پس از آن، افراد دیگری که در آن‌جا مسئولیتی به عهده دارند اهمیت پیدا می‌کنند. برترین معلمان، همواره این نکته را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند. قالب این کتاب، ساده است. در قسمت مقدمه، درباره اهمیت آموزشی که اثربخش‌ترین معلمان ارائه می‌دهند مطالبی مطرح می‌شود. در فصل پایانی از ما می‌خواهد که بر باورهای اصلی خودمان تمرکز و توجه داشته باشیم و در فصول میانی، کارهای منحصر به فردی که معلمان خوب و برتر به طور متفاوت انجام می‌دهند اشاره می‌شود. هر یک از ما می‌توانیم تمامی موارد توصیف شده در این کتاب، یعنی کارهایی که معلمان برتر انجام می‌دهند را به کار ببندیم. نویسنده این کتاب دکتر (تاد ویتاگر) استاد رهبری آموزش در دانشگاه ایالتی ایندیانا است او که سابقه سالها تدریس و مدیریت در مقاطع متفاوت تحصیلی را داشته است. در بخشی از کتاب معلمان برتر چه کارهایی را به طور متفاوت انجام می‌دهند می‌خوانید: زمانی که معلم عطسه می‌کند، کل کلاس سرما می‌خورند. این به خودی خود، نه خوب است و نه بد. این فقط یک واقعیت است. تأثیر ما روی دانش‌آموزان، بسیار زیاد است چون آنچه در کانون توجه ما قرار دارد، در کانون

کافه سینما



سینمایی «خانه‌ی دوست کجاست؟» به کارگردانی عباس کیارستمی

در یکی از روزهای بارانی، وقتی هوا هوای درس نباشد، این فیلم را برای دانش آموزانم خواهم گذاشت. گاهی یک فیلم صدها برابر کتاب درس به ما می‌آموزد. روی تخته می‌نویسم: این فیلم دوست داشتنی است!

«خانه‌ی دوست کجاست؟» ساخته عباس کیارستمی، فیلمی است پیرامون مدرسه و دانش آموزان در همان سال‌های انتشارش یعنی سال‌های ۸۶ و ۹۶. داستان فیلم در مورد کودکی است به نام محمدرضا که ۳ بار توسط معلم تذکر داده شده است که مشق‌هایش را حتما در دفتر مشق‌اش بنویسد، در غیر این صورت او تنبیه و جریمه خواهد شد. اما این در حالی است که دفتر او به اشتباه در کیف دوستش، احمد، مانده و حالا این وظیفه اجتماعی و اخلاقی احمد است که با گذراندن چالش‌هایی جدی، دوستش را از سقوط در دژه اخراج از مدرسه، نجات دهد.

چرا «خانه‌ی دوست کجاست»؟

کیارستمی در ساخته‌هایش قانونی نانوشته - شاید هم نوشته شده - دارد؛ به این صورت که دست در طبیعت و همچنین طبیعت سوژه‌اش نبرد (وی برای طبیعت احترام زیادی قائل است). به گونه‌ای که: بخش اعظمی از فیلم در طبیعت گرفته شده؛ بازیگران به نظر می‌رسد از میان بومیان خود روستا انتخاب شده‌اند؛ و حتی این نیز به ذهن می‌آید که عامدانه از بازیگران خواسته نشده است تلاشی جهت واضح و شمرده صحبت کردن کنند تا فیلم ماهیت طبیعت وارش را از دست ندهد. از همین روست که «خانه‌ی دوست کجاست» می‌تواند فرصتی مناسب برای نظر انداختن دقیق و بدون دستکاری، به وضعیت آموزش و البته کودکان باشد.

دستاوردها

۱. برنده جایزه ویژه هیئت داوران و لوح زرین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر ۵۶۳۱
۲. برنده جایزه سینمای هنر و تجربه در دومین جشنواره برخوردای سینمایی کن ۹۸۹۱
۳. برنده جایزه فیپرسی و فیلم منتخب انجمن منتقدان فیلم جشنواره فیلم لوکارنو ۹۸۹۱
۴. دریافت جایزه کنفدراسیون بین‌المللی هنر سینما جشنواره فیلم لوکارنو ۹۸۹۱

مهران طالبی



ظاهر ساده و صمیمی فیلم امکان ارتباط گیری را با هر سن و سالی را فراهم می‌کند اما درک معانی و زیرمتن‌های فیلم قطعا نیازمند دقت بالایی است. دوستی، تربیت، تجدد، طبیعت از نکات کلیدی این فیلم بودند. و بسیار توصیه می‌کنم دیدن این فیلم را! مخصوصا به قشر معلم. حرف‌های زیادی است که می‌شود گفت اما دیدن بهتر است! پس ببینید و بیاموزید.



بوم گردی

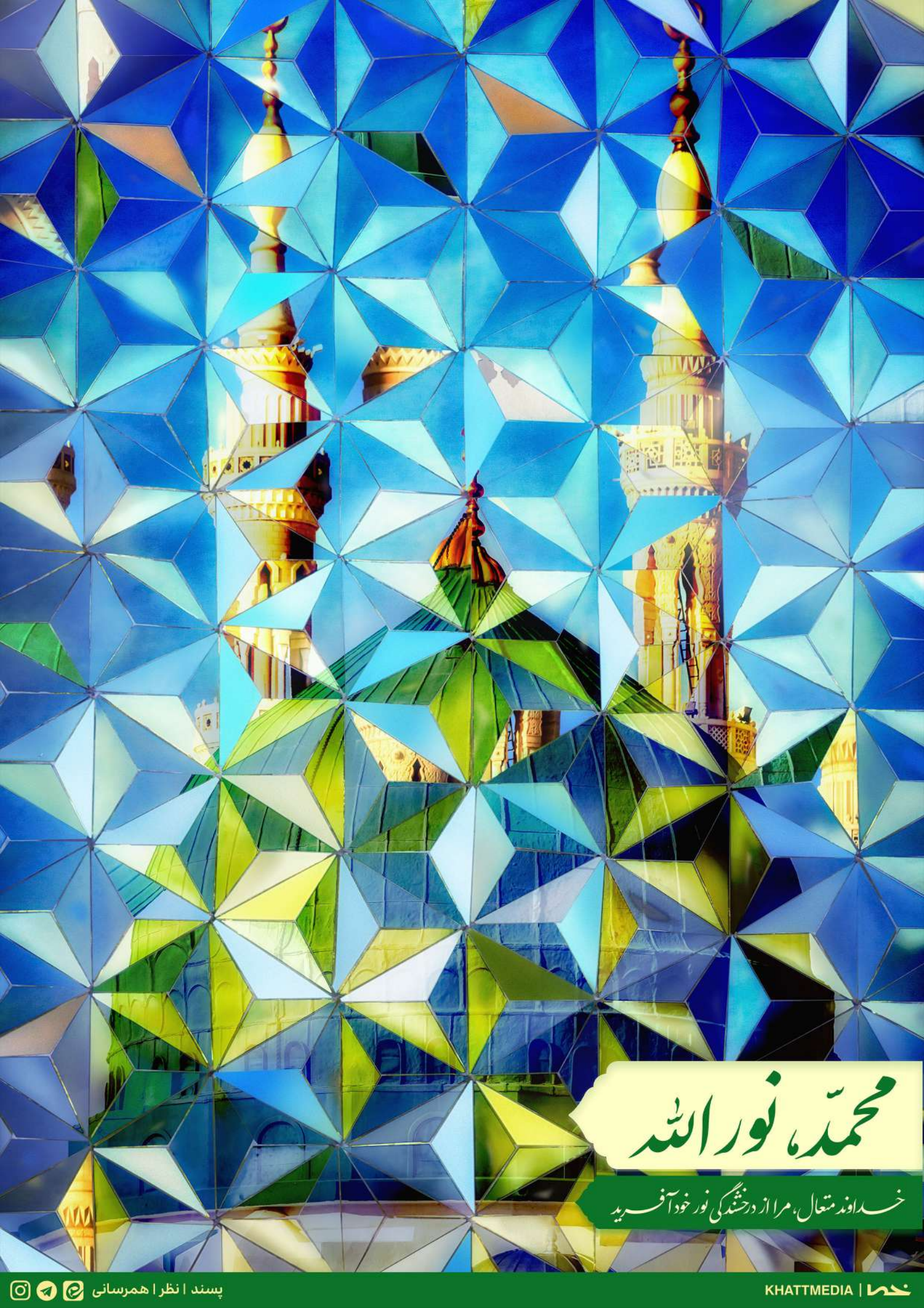
کویر همت آباد شهرستان زیرکوه

کویرهای ایران، شهرت جهانی دارند و از دیرباز از اصلی‌ترین مقاصد گردشگران خارجی بوده‌اند. آرامش کویر و وسعت بی انتهای دیدی که پیش چشم میهمانان خود می‌گذارد و از طرفی شگفتی‌های غیرمنتظره پوشش گیاهی و جانوری، باعث شده که کویر و بیابان همواره مشتری‌های خود را داشته باشد. یکی از مقاصد زیبای کویری در شرق ایران کویر همت آباد است. پهنه‌ای زیبا و دیدنی در استان خراسان جنوبی که از نظر غنای اکوسیستم یکی از کویرهای شاخص شرق کشور به شمار می‌آید. این منطقه را تا همین چند سال گذشته فقط بومی‌ها می‌شناختند و توجه چندان‌ی به آن نداشتند اما در سال‌های اخیر با معرفی این کویر زیبا، اکنون یکی از پتانسیل‌های گردشگری خراسان جنوبی محسوب می‌شود.

نام همت آباد به واسطه وجود روستایی به همین نام در جنوب این کویر است. نامگذاری ریگزار بر اساس روستای همت آباد در جنوب آن است. روستای همت آباد در ۱۵ کیلومتری شهرستان قاینات و ۶۵ کیلومتری شهر زیرکوه در استان خراسان جنوبی و در نزدیکی مرز افغانستان و «دق پترگان» قرار دارد. دق پترگان یکی از دق‌های مشهور ایران است که در سفرنامه‌ها از آن یاد شده است. از طرفی این منطقه بخشی از سرزمین قهستان قدیم بوده که ارزش تاریخی مضاعفی به آن داده است. پرندگانی مانند زاغ پور که گونه اندمیک ایران

است؛ به این معنی که در تمام کره زمین فقط در ایران یافت می‌شود؛ را می‌توان در کویر همت‌آباد جستجو کرد. هوبره، کبک، تیهو و پستاندارانی از قبیل گربه شنی، روباه شنی، کفتار، گرگ و خرگوش از دیگر ساکنان این کویر شرقی ایران هستند. زمان سفر به کویر از نیمه پاییز شروع می‌شود و تا نیمه بهار ادامه پیدا می‌کند اما شاید بهترین زمان اسفند و فروردین باشد. در واقع بهار کویر از همین زمان آغاز می‌شود و تا اواسط اردیبهشت ادامه دارد. فصل پاییز برای آن‌هایی که دنبال آب و هوای خنک‌تری هستند مناسب‌تر است. شگفت این‌که در مجاورت این کویر، ارتفاعات کوهستانی «شاسکوه»، «زیرکوه» و «آهنگران» با مسیرهای جذاب کوهنوردی، صخره نوردی و غارنوردی، امکان انجام ورزش‌های کوهستانی را نیز برای طبیعت‌گردان به ارمغان آورده است. برگزاری توره‌های گردشگری صحرا، توره‌های کویرنوردی و همچنین تماشای گله‌های بزرگ شتر و شترسواری، و امکان خرید سوغاتی‌های محلی و محصولات طبیعی از جمله زرشک و زعفران از بومی‌ها از جمله امکانات موجود منطقه است. و همچنین از جمله دیدنی‌های شهرستان زیرکوه علاوه بر کویر همت آباد، بازدید از روستای ییلاقی «تجنود» به همراه آبشار و رودخانه زیبا در فاصله ۱۰ کیلومتری کویر همت آباد است، و سد بزرگ حاجی آباد که با حجم آبیگری بالا، امکان انجام انواع تفریحات را در حاشیه خود به وجود آورده است. این سد باعث حضور پرندگان مهاجر در این منطقه شده است که در فصل پاییز و زمستان فرصت مناسبی را برای پرندنگری فراهم می‌کند. همچنین دشت زیبای «اسفدن» و تنوع گیاهی و جانوری آن، یکی از مقاصد جذاب مسافران به این شهرستان است.

سعيد حسینی



محمد، نور الله

خداوند متعال، مرا از درخشندگی نور خود آفرید



ارتباط با ما:

جهت همکاری و ارتباط با نشریه دانشجوی امروز، معلم فردا:

تماس: ۰۹۱۵۲۶۹۶۴۸۵

نشانی ما در شبکه های اجتماعی: @skh_cfu

ایمیل: skhcfuacirlive@gmail.com